

# بحران حاشیه‌نشینی و سکونت‌گاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان‌شهرها و رهیافت‌های جهانی

دکتر حیدر لطفی

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مینو میرزایی<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

فرداد عدالتخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

شعب‌بو وزیرپور

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

## چکیده

حاشیه‌نشینی و مشکلات آن خصوصاً پس از پایان جنگ جهانی دوم بیش از پیش برای مدیران شهری معضل ساز شد. نکته مهم در باره حاشیه‌نشینی این است که این پدیده در عین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، موجب بروز مسائل و مشکلات دیگری همچون بزهکاری می‌گردد.

با گسترش شهرها و تبدیل آنها به کلان‌شهرها لزوم کنترل وضعیت حاشیه‌نشینی و جلوگیری از گسترش آن بیش از پیش احساس می‌شود. در این مقاله سعی شده است پس از بررسی مفهوم حاشیه‌نشینی، روند شکل‌گیری و تاریخچه به اثرات سوء آن اشاره شده و به بررسی راهکارهایی جهت کنترل معضلات بحران حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها پرداخته شود.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، کلان‌شهر، بزهکاری، راهکار

## مقدمه

آمارها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند و در حاشیه‌تمامی شهرهای بزرگ دنیا سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینان وجود دارند و مدیران شهری این کلان‌شهرها با مشکلات آنها روبه‌رو هستند. زندگی میلیون‌ها زاغه‌نشین به علت در دسترس نبودن نیازهای اولیه بشری تهدید می‌شود.

حاشیه نشینی در واقع حاصل و برونداد مشکلات اجتماعی و ساختاری می‌باشد که عمدتاً بر اثر جریان سریع مهاجرت از شهرها به روستاها اتفاق می‌افتد. این پدیده اجتماعی، در کشورهای توسعه نیافته، پررنگ تر می‌باشد و در فرایند مدیریت شهری تأثیرات منفی بیشتری دارد.

روش‌های مواجهه شدن با زاغه نشینان و حل مشکلات خود آنها و حل مشکلاتی که نتیجه وجود زاغه‌نشینی است از مشکلات تمامی مدیران شهری در سراسر جهان است. در حقیقت در هیچ جای جهان کلان شهری وجود ندارد که در کنار آن سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و زاغه‌نشینی وجود نداشته باشد.

از آنجایی که حاشیه‌نشینی با عوارضی مانند: فقر-سوابق قومی و فرهنگی متفاوت مهاجران در حاشیه و عدم وجود حریم خصوصی در ارتباط است، موجب بروز ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند: پوچی و بی‌ارزشی-بی‌هویتی حقارت - سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساساتی مانند خشم می‌گردد و خود می‌تواند یکی از عوامل اصلی بروز انواع بزهکاری‌ها بی‌بی از جمله اعتیاد - برخورد های فیزیکی و سرقت شود. پس با توجه به نقش پررنگ حاشیه نشینی در برنامه ریزیهای امنیتی، زیبا سازی و کاهش جرم و جنایات توجه به آن توسط مدیران شهری ضروری به نظر می‌رسد.

#### تعریف حاشیه نشینی

حاشیه نشینی بیشتر به موقعیت جغرافیایی اشاره دارد و البته در بعضی موارد از نظر اجتماعی نیز کاربرد دارد.

• مارشال کلینارد در تعریف حاشیه نشینی چنین می‌گوید:

" حاشیه نشینی، خرده فرهنگی با مجموعه ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر از جمله انزوای اجتماعی همراه است.

• مناطق پیرامون شهرهای بزرگ که به طور کلی محصول رشد ناهمگون شهری و انباشت تعارض آمیز و تنش زای سرمایه و بیکاری روستایی و انهدام ارتباطات خانوادگی - سنتی می‌باشد. (رئیس دانا، ۱۳۸۰، ۲۰)

• فضاهای زندگی غیر رسمی و نا متعارف شهری که بازتاب فضایی بیمارگونه از اقتصاد و مدیریت ضعیف و برنامه ریزی فضایی - منطقه ای و معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی - استانی و محلی است (حاتمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹)

• اگر بخواهیم تعریفی از حاشیه نشینی ارائه دهیم و افرادی را که در این مناطق اسکان دارند را نیز هدف قرار دهیم باید گفت حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی آن نشده‌اند. همچنین حاشیه نشین به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل مشکلات معیشتی در نظام شهری تاب مقاومت نیاورده و به حاشیه کلان شهرها پناه آورده است تا از هزینه‌های زندگی در متن شهر در امان باشد. اما تعاریف دیگری نیز می‌توان ارائه داد و آن اینکه حاشیه نشینان کسانی هستند که به دلیل بضاعت کم مالی با توجه به توان اقتصادی نتوانسته‌اند خود را با ساکنین متن حاشیه تطبیق دهند این عدم سازگاری اجتماعی سبب نفی آنها به مناطقی است که بتوانند زمینه جذب آنها را فراهم کند.

اما این پدیده را در ابعاد دیگری هم می توان نگرست اگر در تعریف حاشیه نشینی ساکنین این مناطق قرار دهیم تا حدودی بیراه رفته ایم چرا که تمام ساکنین این مناطق حاشیه نشین نیستند و دلیل دیگری که اصلاً جنبه اقتصادی ندارد به این مکان نقل مکان کرده اند .

اگر حاشیه نشینی را به عنوان یک مکان در نظر آوریم به دلیل پایین بودن نرخ زمین و یا عدم نیاز به اجازه ساخت و ساز و یا نبودن نظارت و کنترل دولتی رانده شدگان از متن ها با هجوم به این محدوده ها سبب تداعی شدن این سبک از واژه ها در اذهان عمومی شده اند .

حالتی که شخص در قالب آن فرو رفته و در حالت زندگی کردن است و همیشه امید به فردایی بهتر دارد .

### انواع حاشیه نشینی

حاشیه نشینی به سه دسته تقسیم می شود :

حاشیه نشینی برون شهری - حاشیه نشینی درون شهری و حاشیه گزین

#### • حاشیه نشینی برون شهری

این قسم حاشیه نشینی که اکثراً در اطراف کلان شهرها همچین قارچ روییده و به کرات می توان سخن راند: استان تهران به عنوان یک نمونه کامل از انواع مسائل اجتماعی پدیده ای مثل حاشیه نشینی را به مثابه ی معضل اجتماعی در خود جای داده است . حاشی نشینی از نوع برون شهری بیشتر در جنوب و جنوب غرب تهران به چشم می خورد با کمی دقت در نقشه تهران متوجه می شویم که وجود کوهها از شمال تهران تا شمال شرق امکان مهاجرت این دسته از حاشیه نشینان را به این سمت محدود نموده است. از سی دیگر اتوبان ها و بزرگراههایی که در جنوب و غرب تهران وجود دارد حرکت به سمت مرکز را راحت تر کرده است در حالی که به دلیل تمرکزگرائی ارگان های دولتی و غیردولتی و بازارها و ساختمان های تجاری در مرکز شهر حرکت حاشیه نشین ها برای کار و بسیاری جهات دیگر از جنوب و غرب به سهولت و حتی با هزینه های کمتر صورت می گیرد .

#### • حاشیه نشینی درون شهری

برخلاف حاشیه نشینی برون شهری، حاشیه نشینی درون شهری عمری بسیار طولانی دارد و پدیده تازه ای نیست . در تمام کشورهای دنیا چنین مناطقی را می توان یافت . چنین محدوده هایی با وجود درون کلان شهرهاست اما از سایر مناطق با خط قرمزی جدا شده است گویی ساکنین این مناطق هم حاشیه نشین هستند با این تفت که با فاصله کمتری نسبت به حاشیه نشین های برون شهری در متن شهرها زندگی می کنند .

آنچه که حائز اهمیت است این است که این دسته را خطر بیشتری در مقابل نا امنی و بزهکاری تهدید می کند. اولاً همان نزدیکی بیشتر آنها به متن حاشیه ها و الگو برداری که آنها به خاطر این ارتباط دارند و احتمال اشتباه بودن این الگوسازی که ممکن است با آن مواجه شوند علاوه بر این چون آنها خود را یک متن نشین می دانند خواهان همان برخورد اجتماعی و تساوی در امکانات رفاهی هستند که برای دیگر مناطق وجود دارد به همین علت در جهت رفع کمبودهای موجود دست به واکنش های خود جوش می زنند .

## • حاشیه‌گزینی

افراد متمکن و ثروتمند در جامعه برای فرار از هیاهو و ترافیک همه روز و محیط تنش‌زا و دغدغه‌هایی که در کلان شهرها دارند اغلب مکان‌هایی آرام و دنج و خوش آب و هو را برای استراحت و تفریح خود انتخاب می‌کنند هر از چندگاهی هم مثل آخر هفته‌ها در این مکان می‌گذرانند .  
اگر در تهران این مورد را بررسی کنیم مکان‌هایی مثل لواسانات-دیزین-کلاردشت-کردان و وهر شهر از این جمله می‌باشد .

## تاریخچه حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی ریشه در زمان‌های بسیار دور دارد و در قرن‌های گذشته نیز وجود داشته است . این پدیده اجتماعی هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای توسعه نیافته موجود می‌باشد . البته حاشیه‌نشینی در کشورهای توسعه یافته با کشورهای توسعه نیافته تفاوت‌هایی از حیث علل تاریخی به وجود آورنده و نحوه رفتار اجتماعی حاشیه‌نشینان دارد .

تأثیرات پررنگ حاشیه‌نشینی بعد از جنگ جهانی دوم ، پس از فروپاشی نظام اقتصادی جهان و افزایش فقر در اکثر کشورها تبدیل به معضلی برای برنامه‌ریزی شهری و مدیریت کلان شهر شد .  
از سال ۱۹۵۰ بحث‌هایی مرتبط با حاشیه‌نشینی در جهان مطرح شد که تحلیل‌های متفاوتی را در بر داشت ، اما تا کنون هیچ یک از راهکارهای ارائه شده منجر به حذف حاشیه‌نشینی نشده اند .  
آثار پژوهشی نیز در ایران از سال ۱۳۵۰ وجود دارد .

## حاشیه‌نشینی در جهان

با کل جمعیت ۱۶۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۱، زاغه‌نشینان ۷۲٪ جمعیت شهری در جنوب خط صحرا در افریقا را تشکیل می‌دهند. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۰ جمعیت آنها به ۳۲۵ میلیون نفر افزایش یابد یعنی چیزی بیشتر از جمعیت کنونی کشور ایالات متحده آمریکا .  
در کشور هند طبق آمار به دست آمده حدود ۳۰٪ مردم در نواحی زاغه‌نشین ( حاشیه ) زندگی می‌کنند .

در کشور ترکیه حدود ۲۴ واحد مسکونی با کیفیت بسیار پایین در محدوده حاشیه به صورت زاغه موجود می‌باشد

## حاشیه‌نشینی در ایران

ایران شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان است و طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۰ جمعیت آن ۳/۲ برابر افزایش یافته‌است درحالی‌که این رشد درجهان کمتر از ۲/۳ برابر بوده است که این امر خود موجب افزایش نرخ حاشیه‌نشینی می‌شود.  
اولین پژوهش در این حوزه توسط مرکز مطالعات موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ انجام شد که موضوع مطالعاتی درباره گودنشینان و حاشیه‌نشینان شهری پیرامون شهرهای تهران، تبریز و اهواز بوده است. نتیجه آن دربردارنده این موضوع بوده است که ساکنان این مناطق عمدتاً پروژه های کم درآمد بوده اند که اغلب از شهرها و روستاهای کوچک اطراف آن شهرها به این مناطق مهاجرت نموده اند.

به طور موردی جمعیت روستایی استان تهران در طی ۳۰ سال گذشته حدود ۷/۵ درصد رشد داشته است. نکته قابل توجه این است که این جمعیت اضافه شده عمدتاً در روستاها و حاشیه کلان شهرها مستقر شده اند. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش حاشیه نشینی در ایران که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران انجام شده است جمعیت حاشیه اطراف ۱۰ شهر بزرگ ایران حدود ۵/۳ میلیون نفر می باشد. حاشیه نشینی در شهرهای ایران به صورت شهرک نشینی در حومه شهرها و همچنین آلونک نشینی دیده می شود. شهرک های حاشیه نشینان در اصل «روستای شهر» با «شهرک های روستاگونه درون شهر» هستند. از نمونه شهرک های فقیر حاشیه نشینان در شهرهای ایران می توان به این شهرک ها اشاره کرد: تهران: شهرک های متعدد در منطقه ۱۶ شهر تهران استان تهران: مناطق حاشیه ای در پاکدشت، قیامدشت، احمدآباد، حسن آباد، خلیج، بادامک و رامینک. کرج: زورآباد (اسلام آباد). تبریز: آخماقیه، حافظ، خلیل آباد، داداش آباد، سیلاب، طالقانی، عباسی، کشتارگاه، لاله، مارالان، منبع و یوسف آباد. مشهد: خواجه ربیع. اردبیل: ابراهیم آباد. سنندج: عباس آباد، کانی کوزله، حاجی آباد و زورآباد. همدان: خضر، طالقانی، کشتارگاه، حصار، شاه پسند، سنگ سفید، نایب احمد، مجیدیه، دیزج. زاهدان: شیرآباد، بابایان، قریب آباد، پشت کارخانه نمک و کریم آباد.

#### آلونک نشینی



گهر - بخش گوخرد

پدیده آلونک نشینی و زاغه نشینی امروزه دیگر در شهرهای ایران اغلب وجود ندارد. آلونک نشینی به صورت های زیر در ایران وجود داشته یا در مقیاس کمی وجود دارد: زاغه نشینی: کندن زاغه ای در کوه یا گودی در زمین برای سکونت. در شرق تهران وجود داشته.

آلونک: ساخت سرپناه با وسایل و مصالح کهنه مانند مقوا، حلب، نایلون و قطعات بی مصرف خودرو. در شهرک ولی عصر همدان، محله خاک سفید تهران، حلب شهر تهران پارس، اجتماع آلونکی پل مدیریت، شهرک های آلونکی جنوب منطقه ۱۶ تهران شامل: شهرک بعثت، شهرک شهید عراقی، شهرک مطهری، شهرک طالقانی، شهرک ملک آباد، شهرک جوانمرد قصاب، اجتماع آلونکی ۲۰ خانواری در جوانمرد قصاب، شهرک آلونک نشین خیابان زنجان جنوبی (منطقه ۱۰ تهران)، منطقه ۱۳ مشهد، و کرمان.

سکونت در محل خشت در کوره پزخانه ها. نمونه: ساختمان اداری کوره پزخانه منطقه ۱۶ تهران.

کپر. ساخته از حصیر. نمونه: بلوچستان و خوزستان

گرگین. دارای دیوار معمولی ولی سقفی حصیری. نمونه: تهران، خوزستان، بندرعباس.

اتاق حلبی. حلبی آبادهای تهران: مناطق ۱۵، ۴، ۲ و ۱۸. تبریز، شلنگ آباد اهواز.

اتاق با خشت و بلوک. همدان، کرمانشاه، تبریز، تهران.

نمونه زاغه نشینی روستایی در ایران، روستای کندوان در استان آذربایجان شرقی است.

تازه ترین آمار رسمی حاشیه نشینی در استان تهران از سوی استانداری به تفکیک شهرستان ها ۵۶۷ هزار نفر اعلام شد

### علل بروز پدیده حاشیه نشینی

علل زیادی را می توان از منظرهای گوناگون برای حاشیه نشینی نام برد که ما در اینجا تنها به چند عامل کلی

اکتفا می نمایم:

- افزایش مهاجرت از روستا به شهر به علت عدم اشتغال و پایین بودن سطح درآمد را می توان به عنوان عامل اصلی حاشیه نشینی نام برد .

- مشکلات موجود در روستا ها و عدم وجود امکانات تفریحی - آموزشی - بهداشتی کافی

- پایین بودن سطح درآمد خانواده ها - بالا بودن هزینه اجاره و خرید مسکن خانواده های شهری که منجر به حرکت آنها به سمت حاشیه کلان شهرها می شود .

### بحران های حاصل از حاشیه نشینی در کلان شهر

- اشتغال حاشیه نشینان به کارهای غیررسمی مانند کوپن فروشی که در نهایت به اقتصاد کلان شهری صدمه می زند .

- عدم وجود امکانات آموزشی حاشیه نشینان موجب شکاف عمیقی بین آنان و دیگر ساکنان کلان شهر می شود که

این امر خود موجب بروز مشکلات دیگری برای آنان مثل عدم تخصص ، عدم آگاهی و فرهنگ اجتماعی می گردد که می تواند زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی و یا حتی بزهکاری گردد .

- پایین بودن سطح بهداشت عمومی در این مناطق خود موجب بروز و یا انتشار بیماری های مختلفی می گردد که می تواند تمام جمعیت کلان شهر را تهدید نماید .

- وجود مشکلاتی مانند فقر- بیکاری و نبود برنامه های مناسب فرهنگی جهت پر کردن اوقات فراغت خود می تواند

موجب بروز اعتیاد در میان این قشر باشد که تحقیقات نشان می دهد اعتیاد و خرید و فروش مواد اعتیاد آور در میان

جوانان حاشیه نشین بسیار شایع است که همین امر تهدیدکننده سلامت اجتماعی کل ساکنین کلان شهر می باشد.

- بررسی تاریخ حاشیه نشینی نشان می دهد همواره این مناطق مرکز اصلی انحرافات-بروز نا هنجاری های اجتماعی و بزهکاری می باشد و همین امر امنیت کلان شهر را تهدید می نماید .

### سیاستها و راهکارهای مفروض ساماندهی

چنانچه قبلا گفتیم نادیده انگاری و تخریب و پراکنش اجباری مذموم ترین سیاستهای برخورد با پدیده حاشیه نشینی حداقل از نگاه برنامه ریزی و آکادمیک می باشد چرا که اسکان حاشیه نشینان خود پدیده عدم برنامه ریزی و مدیریت سیاسی و توسعه کارآمد است نه پدیده اقشار کم درآمد جامعه لذا پیشگیری سیاست نادیده انگاری یا برخورد قهری مبین عدم قابلیت و کارآیی مدیران و برنامه ریزان در اتخاذ تدابیر مناسب در این خصوص می باشد.

راهکارهای ساماندهی: در این راستا چهارراه حل ذیل پیشنهاد می گردد:

۱- بهسازی فضاهای حاشیه نشین:

این راهکار ضمن رسمیت بخشیدن به مالکیت ساکنین بر زمین، همکاری مردم و مساعدتهای دولت باید مدنظر باشد.

### اهداف

- حفظ اسکان در فضاهای موجود
- رسمیت بخشیدن به مالکیت حاشیه نشین
- رسمیت دادن به کالبد و منظر فضاهای حاشیه نشین
- ایجاد زمینه های سیاسی و روحی- روانی تحرک و پویایی در این جوامع
- خط مشی های اجرایی بهسازی فضاهای حاشیه نشین
- تأکید بر خودیاری ساکنین در بهسازی
- رسمیت بخشیدن به مالکیت قطعات تفکیکی تحت تصرف
- پرداخت وام درازمدت
- تأمین مصالح ارزان
- در اختیار گذاشتن ماشین آلات دولتی
- اخذ طولانی مدت هزینه های بهسازی
- ایجاد مالکیت مشروط به مفهوم عدم قابلیت انتقال مالکیت به شرط پرداخت کلیه هزینه های ساماندهی دولتی به قیمت روز.

۲- نوسازی فضاهای حاشیه نشین: (در صورت عدم بهسازی):

تخریب و نوسازی منطقه ضمن رسمیت دادن به ساکنین که به دو صورت قابل بررسی و اجراست:  
الف: استفاده از مساعدتهای دولت با تأکید بر خودیاری مردم به عبارتی دیگر پس از تخریب مناطق فرسوده و ناهمگون فعلی با نظارت دستگاههای دولتی ایجاد بناهای جدید با حمایت دولت (اعم از پرداخت وامهای کم بهره بلندمدت) صورت گیرد.

ب: استفاده از پتانسیلها و منابع مالی بخش خصوصی جهت بلندمرتبه سازی و ارائه تسهیلات جهت رهن اجاره مسکن برای مالکین در طول دوره بازسازی اماکن و نظارت دقیق دولت در جهت احقاق حق کامل طرفین.  
۳- جابجایی و اسکان در مکان جدید:

در صورت عدم امکان بهسازی یا نوسازی فضاهای حاشیه نشین و حفظ اسکاندر آنها باید به تخصیص، آماده سازی، نوسازی و اسکان جدید جمعیت در فضایی دیگر پردازیم. در این راهکار، مساعدتهای دولت بسیار حائز اهمیت بوده و بر خودیاری مردم نیز تأکید می گردد.

لازم به ذکر است که لزوماً تمامی راهکارهای پیشنهاد شده فوق برای هر سه منطقه مورد مطالعه کاربرد نداشته و برخی از این پیشنهادات برای یکی از این مناطق سه گانه از قابلیت اجرایی بسیار خوب برخوردار می باشد. به عنوان مثال راهکار ارائه شده در بخش (ب) پیشنهاد مطلوبی در جهت حل معضل حاشیه نشینی در منطقه تپه مهران می باشد در حالی که راهکار ارائه شده در بند (ج) برای حل معضل در منطقه فرحزاد قابلیت اجرایی بیشتری دارد.

۴- ایجاد زمینه های لازم برای بازگشت افراد به موطن اصلی  
۹ درصد از افراد گروه نمونه جزء مهاجرین می باشند که از دیگر مناطق کشور به محل سکونت فعلیشان مهاجرت کرده اند که راهکارهای اجرایی زیر جهت بازگشت پیشنهاد می گردد. (این راهکارها با توجه به اولویتهای پیشنهاد شده توسط خود مردم ساکن در مناطق مورد مطالعه ارائه می گردد).

۱- حل معضل بیکاری در شهرها مبدا مهاجرت موطن اصلی مهاجرین  
۲- تأمین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن یا پرداخت وامهای بلندمدت با بهره کم  
۳- پرداخت وام برای حل مشکل اشتغال و در اختیار گذاشتن امکانات دامداری و کشاورزی در روستاها و شهرهای محل سکونت

۴- ایجاد بسترهای لازم برای تحصیل و آموزش فرزندان و ارتقاء سطح امکانات بهداشتی و درمانی

**معیارهای ارزیابی سیاستهای مفروض ساماندهی:** موم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پس از انتخاب یکی از سه گزینه ساماندهی، جهت حصول اطمینان از تناسب آن با جامعه مورد نظر گزینه را با معیار زیر مورد سنجش قرار می دهیم:

#### معیار حقوقی - مالکیت:

وضعیت تملک زمین و اینکه مدعی مالکیت زمین دولت با بخش خصوصی باشد در درجه ضمانت اجرایی هریک از سیاستهای ساماندهی و به شکل متفاوتی تأثیرگذار خواهد بود.

#### معیار فضایی - کالبدی:

میزان برخورداری هریک از اجتماعات از امکانات، تأسیسات و خدمات عمومی نقش مهمی در انتخاب نوع سیاست ساماندهی دارد (میزان برخورداری از امکانات، قابلیت حفظ و مرمت بنا، قابلیت یا محدودیت فضا، وضعیت کاربری اراضی مجاور.



### معیار زیست محیطی:

ویژگیهای توپوگرافیک، شیب و نوع خاک، نحوه رعایت اصول بهداشتی، رهاسازی فاضلاب در معابر و تأثیر این اجتماعات بر آلودگیهای محیط زیست معیار مهمی تلقی می گردد.

### معیار اقتصادی - اجتماعی:

با توجه به تمایزات اقتصادی و اجتماعی هریک از اجتماعات غیررسمی، اولویت و ضمانت اجرایی هریک از سیاستهای مغروض ساماندهی در آنها متفاوت خواهد بود و از این رو معیار، یکی از بهترین معیارهای ارزیابی و انتخاب راهکار ساماندهی است. (تعداد و تراکم جمعیت و بعد خانوار - سطح آگاهی سیاسی، فرهنگی مردم - درجه اعتماد مردم به دولت)

علاوه بر ساماندهی، برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی ضروری است اما از آنجا که حاشیه نشینی پاسخ اقشار کم درآمد به بی توجهی های جامعه مخصوصا برنامه ریزان می باشد، لذا برنامه ریزی های اجتماعی - اقتصادی به همراه نظارت و مدیریت صحیح بر توسعه فضای حاشیه نشین، کنترل ساخت و سازهای جدید و رسمیت بخشیدن سیاسی و قانونی - حقوقی آنها و اقدامات فرهنگی ضروری است. لذا در کنار اقدامات فوق ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء سطح بهزیستی حاشیه نشینان نیز ضرورت می نماید.

ارتقاء سطح بهزیستی به قرار ذیل ممکن می باشد:

- ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم حاشیه نشین با توجه ویژه به مقولات فقر، محیط زیست و بهداشت.
- توزیع عادلانه منابع و امکانات مادی.
- ایجاد مراکز مشاوره، مددکاری اجتماعی و... جهت شناسایی و استفاده از حداکثر تواناییهای فردی و افزایش سطح سازگاری، حس مسئولیت پذیری و انضباط و منزل اجتماعی افراد.
- استفاده از مشارکتهای مردمی در آبادانی این مناطق
- افزایش ضریب امنیت انتظامی و اجتماعی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- کمک به توسعه و اصلاح خط مشی های سیاسی، اقتصادی
- افزایش سطح دانش و معلومات با راه اندازی مراکز علمی و دانشگاهی
- پرنمودن اوقات فراغت با برنامه ریزی مناسب و از پیش تعیین شده و تفریحات سالم
- ایجاد زمینه های اشتغال مولد و پویا
- ارائه مطلوب خدمات شهری و فعال نمودن شهرداریها در سازمانهای مناطق حاشیه نشین.
- فعال نمودن مراکز بهداشتی نسبت به بالابردن آگاهی حاشیه نشینان در خصوص رعایت موازین بهداشتی.
- برقراری ارتباط بین بخش برنامه ریزی مسکن و برنامه ریزی کلان اقتصادی.
- پیوند همه جانبه مسکن با برنامه ریزی شهری.
- جهت گیری سیاستها برای تحقق توانمندسازی خانواده با استفاده از مشارکت سازمانهای غیردولتی و ارتقای روحیه خودباوری آنها.

در پایان یادآوری می‌گردد هرگونه راهکار ساماندهی در صورتی در اجرا موفقیت‌آمیز خواهد بود که مبتنی بر مطالعات موردی و با تأکید بر سلاقی انگیزه‌ها، توان و خواست ساکنین باشد. در غیراین صورت موجب تحرک و تشدید آن خواهد شد.

### مدل استاندارد مدیریت شهری جهت برخورد مناسب با سکونت‌گاه‌های غیررسمی

نتایج استفاده از روش‌های مختلف در سراسر جهان منجر به ایجاد یک مدل جامع در راستای ارائه یک برنامه کاربردی جهت ساماندهی اقدامات مدیریت شهری در برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی و زاغه‌نشینی می‌باشد. در این روش مدیریت شهری باید با استفاده از مشارکت‌های مردمی، سازمان‌های دولتی، نهادهای عمومی و مشارکت ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی سه‌جریان اصلی "اطلاعات، اعتبارات و مصالح و امکانات مورد نیاز" را در بخش‌های زیر تامین نماید:

توسعه اقتصادی-حکمرانی خوب-بودجه شهری-محیط زیست شهری-ایجاد اشتغال و فقرزدایی. نکته قابل توجه این است که مدیران شهری نباید هرگز از یاد ببرند که حاشیه‌نشینی دارای قدمتی تاریخی هم‌زمان با پیدایش شهرهاست پس جهت وضعیت آن و اجتناب از مضرات این معضل همواره باید با یک نگاه سیستمی برگرفته از مدیریت مطلوب شهری به برنامه‌ریزی مداوم بر پایه اطلاعات روزآمد به بررسی و اقدام مناسب جهت پیشگیری از گسترش آنها در اطراف شهرها پرداخت.

### نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی یک معضل کلان شهری می‌باشد که نشان دهند ضعف در ساختار اجتماعی و اقتصادی است. برای جلوگیری از تأثیرات سوء این پدیده علاوه بر تلاش در جهت اصلاح این ساختارها باید راهکارهایی جهت جلوگیری از گسترش بیدرنگ آن نمود. و البته با توجه به اثرات مخرب حاشیه‌نشینی بر شهر، کاهش مشکلات حاشیه‌نشینان خصوصاً در زمینه‌های اشتغال-فرهنگ و بهداشت باید نقش پررنگی در مدیریت کلان شهری داشته باشد.

بهبود وضعیت حاشیه‌نشینان بدون توجه و همکاری سازمان‌های دولتی و عمومی خصوصاً شهرداری‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند وجود مراکز مشابه شهرداری‌ها که زیر نظر خود شهرداری در این مناطق می‌تواند به میزان چشم‌گیری بر افزایش سطح کیفی مناطق حاشیه‌نشین مؤثر واقع گردد.

### پیشنهادات

با توجه به مباحث مطرح‌شده به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی مدیریت شهری در راستای اجرای طرح‌های زیر می‌تواند موجب کاهش حاشیه‌نشینی و کاهش تأثیرات منفی آن بر شهرها گردد:

- بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده در کلان‌شهرها
- اجرای طرح‌های کارآفرینی و احداث کارگاه‌های کوچک جهت رفع بیکاری و افزایش سطح درآمد خانوار حاشیه‌نشین

- توسعه خدمات بهداشتی - آموزشی و رفاهی در شهرها و روستاهایی که بالقوه آمادگی مهاجرت به حواشی کلان شهرها را دارند .

### منابع

- حاتمی نژاد، حسین. اسکان غیر رسمی در جهان ، ماهنامه شهرداری ها ، سال پنجم ، ش ۵۰ .  
چکیده مقالات همایش ملی سکونت گاه های غیر رسمی : چالش ها ؛ راهبرد ها، اسفند ۱۳۸۸  
دراکسیس اسمیت ، دیوید (۱۳۷۷). بشر جهان سومی ، فیروز جمالی ، نشر توسعه ،  
رهیافت هایی برای سکونت گاه های غیر رسمی و محدوده های فرسوده شهری ، معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و  
روستایی سازمان شهرداری ها و دهرداری های کشور، ۱۳۸۸  
زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۸۴). حاشیه نشینی ، انتشارات دانشگاه شیراز،  
صالح ، علی رضا ، پیشنهادها و راهکارها حاشیه نشینی و جامعه شهری ، روزنامه اینترنتی کیهان  
علی اکبری ، اسماعیل (۱۳۸۷). توسعه شهری در ایران ، مجله پژوهش های جغرافیایی ،  
مدنی پور، علی (۱۳۸۳). تهران ظهور یک کلان شهر ، انتشارات پردازش. برنامه ریزی شهری ،

Amaldam,s (2008). housing in third world, world bank

Bican,B, (2009). urban povertyn& planning in Asia ,world bank Analyticalurban Geography .p 174

D.j.Walmstyle &G.j Lewis,1985Human Geography. P 4

